

## **Moral and Gnosticism in Parvin's poem**

Alie Kord Zaferanlu Kambuzia<sup>1</sup>

Maryam Alaie<sup>2</sup>

The study of parvin's poem reveals some moral and gnosticism in parvin's mind. The main goal of this research is ; the study of parvin's poems , inorder to examine her moral and gnosticism. This article is descriptive work.

The main conclusion resulted from this article is that , parvin is the teacher of moral and gnosticisim . she reminds some points which are not limited to special time and place. They are everlasting moral points which inorder to have welfare and happiness life, human beings should always consider them.

**Key words:** 1-Morality,2- gnosticism,3- litrary debate,4- poem, 5-poetry.

---

1- A member of scientific society, Tarbiat modarres University

2- postgraduate student in linguistics , Tarbiat modarres University

## اخلاق و عرفان در شعر پروین اعتصامی

عالیه کرد زعفرانلو کامبوزیا<sup>۱</sup>

مریم اعلائی<sup>۲</sup>

### چکیده:

بررسی و مطالعه اشعار پروین بیانگر وجود عرفان و اخلاق در اندیشه وی است. هدف از این تحقیق بررسی دیدگاه عرفانی و اخلاقی پروین از طریق شعرهای وی است. روشی که در این تحقیق به کار گرفته شده است توصیفی - تحلیلی است، بدین صورت که ابتدا دیوان شعر او مطالعه و بررسی شده سپس عناصر عرفانی و اخلاقی در متن شعرها مورد تحلیل قرار گرفته است. همچنین از مقالات و کتاب‌هایی نیز که تاکنون درباره پروین و اشعار وی نوشته شده‌اند به منظور شناخت بیشتر وی استفاده شده است. در این تحقیق زندگی کوتاه پروین همراه با خصوصیات و سبک شعری وی بررسی شده است. همچنین جهان بینی پروین، لطائف حکمی و نکات قرآنی موجود در دیوان وی، نحوه بهره‌گیری از آیات قرآن و نکته‌های اخلاقی در شعر او مورد توجه خاص بوده است. پروین معلم اخلاق و عرفان است و نکاتی را در شعر خود متذکر شده که محدود به زمان و مکان خاصی نیست و عمل به آن در همه دوران موجب سعادت انسان می‌شود. وی کمال انسان را در رهایی از تعلقات مادی و روی آوردن به موضوعات معنوی می‌داند. هیچیک از رنج‌های مردم کوچک و بازار از نگاه تیزبین او پنهان نمانده است، این موضوع توجه پروین را به قشر محروم و رنج کشیده جامعه نشان می‌دهد و دیدگاه واقعیت‌گرایی یا رئالیستی مدرن را تداعی می‌کند. ایجاد مناظره میان اشیاء بی‌جان در اشعار وی حکایت از این دارد که او به همه هستی، جان بخشیده و زبان همه موجودات، حتی اشیاء بی‌جان را می‌داند و درک می‌کند. وی با ایجاد مناظره میان دو فرد یا دو شیء نوعی آموزش غیر مستقیم برای خواننده ایجاد می‌کند و پیام اصلی و درونی خویش را از زبان غیر به سمع و نظر مستمع می‌رساند. این نوع آموزش غیر مستقیم آثار تربیتی و اخلاقی موثرتری نسبت به آموزش مستقیم دارد.

**واژه‌های کلیدی:** ۱- پروین، ۲- اخلاق، ۳- عرفان، ۴- مناظره، ۵- جان بخشی به

اشیاء

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس، گروه زبان‌شناسی

۲- دانشجوی دوره دکتری، رشته زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس

بی‌گمان پروین اعتصامی یکی از ارجمندترین زنان شناخته شده در عرصه تاریخ اجتماعی ما است. دبستانی‌ها پروین را با «اشک یتیم» و بزرگترها وی را با «محتسب و مست» می‌شناسند. وی از خانواده‌ای اصیل برخاست و از حمایت و هدایت و تشویق پدر «یوسف اعتصامی» مردی فرهیخته و انسان دوست، برخوردار شد. عمرش کوتاه بود. اما اثری ارزشمند و ماندگار پدید آورد که درک و شناخت آن به زمانی دراز نیاز دارد و همین امر اعجاب اهل بصیرت را درباره این بانوی هوشمند و استثنایی برانگیخته است. هدف از این تحقیق بررسی موضوعات اخلاقی و عرفانی در شعرهای پروین است. روشی که در این تحقیق به کار گرفته شده، توصیفی - تحلیلی است. بدین صورت که تمام اشعار دیوان پروین مشتمل بر حدود ۲۴۸ شعر اعم از قصیده قطعه، حکایت و تمثیل و .... مورد بررسی قرار گرفته است. سپس تقسیم‌بندی‌هایی بر مبنای موضوع مورد تحقیق یعنی «بررسی عناصر اخلاقی و عرفانی در شعر پروین» انجام شد. ضمناً به منظور شناخت بیشتر وی از مقالات و کتاب‌هایی نیز استفاده شده است که تاکنون درباره پروین و اشعار وی نوشته شده‌اند. در این تحقیق زندگی کوتاه پروین همراه با خصوصیات و سبک شعری وی بررسی خواهد شد.

## ۲ - زندگینامه پروین

در ۲۵ اسفند ۱۲۸۵ هجری شمسی در شهر تبریز دختری پا به جهان زندگی نهاد که او را رخشنده نامیدند (حائری، ۱۳۷۵، ص ۹). پدر «اعتصام الملک» از برای او که در هشت سالگی، اشعاری وزین و متین می‌سرود، تخلص «پروین» را شایسته و مناسب دید و به تدریج به همین نام، شهرت یافت. (همان) پروین پنج ساله بود که پدر از تبریز به تهران کوچ کرد. از لحظه‌ای که سخن گفتن آموخت و خویشتن و اطرافیان را شناخت به تدریج در سه مدرسه به فراگیری علم و دانش پرداخت:

## اخلاق و عرفان در شعر پروین اعتصامی / ۴۵

مدرسه اول: پروین در کودکی تحت تعلیم مستقیم پدر قرار داشت. وی ادبیات فارسی و عربی را نزد او آموخت.

مدرسه دوم: مدرسه آمریکایی دخترانه تهران که در آنجا به زبان انگلیسی نیز کاملاً تسلط یافت و در ۱۳۰۳ هـ.ش دوره آن را به پایان رسانده، فارغ التحصیل شد. مدرسه سوم: «مدرسه نخبگان و اربابان فضل و دانش» است که هفته‌ای یکشب و حدود سه ساعت، میعادگاه فقیه و محقق معروف حاج سید نصرالله اخوی تقوی رئیس دیوان عالی تمیز و استاد دانشکده‌های حقوق و معقول و منقول، علامه علی اکبر دهخدا، یوسف اعتصام الملک، ملک الشعرا بهار، و امثال این فضلا و دانشمندان و شاعران طراز اول تهران آن زمان در خانه پدر پروین بود. پروین در آن جلسات اشعار خود را می‌خواند و چنانچه ضرورت داشت به اظهارنظر و تصحیح آن مبادرت می‌نمود.

پس از اتمام دوره مدرسه آمریکائی مدت دو سال ادبیات فارسی و انگلیسی را در همانجا تدریس نمود. در ۱۹ تیر ۱۳۱۳ با پسرعموی خود ازدواج کرد و چهار ماه پس از عقد به خانه شوهر در کرمانشاه رفت. این ازدواج مناسب نبود، لذا پس از دو ماه و نیم اقامت در خانه شوهر به منزل پدر برگشت و در ۱۱ مرداد ۱۳۱۴ با گذشتن از کابین، تفریق نمود. وی درباره دوره زناشوئی خود فقط سه بیت ذیل را گفته است:

ای گل، تو ز جمعیت گلزار چه دیدی      جز سرزنش و بدسری خار چه دیدی

ای لعل دل افروز، تو با اینهمه پرتو      جز مشتری سقله به بازار چه دیدی

رفتی به چمن، لیک قفس گشت نصیبت      غیر از قفس، ای مرغ گرفتار چه دیدی

وی پس از نوروز ۱۳۱۵ هجری شمسی کارمند کتابخانه دانشسرای عالی شد (حائری، ۱۳۷۵: صص ۱۲-۱۵) و در شب شنبه ۱۶ فروردین ۱۳۲۰ پس از ۱۲ روز ابتلاء به مرض حصبه نیمه شب در تهران درگذشت، به قم منتقل و در صحن جدید در مقبره خانوادگی، کنار قبر پدر خود مدفون شد. (حائری ۱۳۷۵، ص ۶۱)

## ۳ - ویژگی‌های شعر پروین

بررسی اشعار پروین نشان می‌دهد، مخاطب او همه مردم هستند. عناوین اشعار وی گویای این حقیقت است که با تمام اقشار از هر سنی گفتگو دارد: کودک، جوان، پیر، زن، مرد، غنی، فقیر، داروغه، حاکم، قاضی، پادشاه و ... او در همه جا کنار مردم است و درست را از نادرست با ذره بین نقد می‌شناسد و جدا می‌کند. توجه به مردم در شعرهای پروین او را شاعری متعهد معرفی می‌کند به طوری که در برابر مشکلات مردم بی تفاوت نیست. هرگز نمی‌توان او را در ردیف هنرمندان بی درد قرار داد. وی این تعهد و حس مسئولیت در برابر اجتماع را به خواننده شعرهای خود نیز منتقل می‌کند و روح تعهد می‌آفریند. اشعار پروین نخست در مجله «بهار» که پدر آن را منتشر می‌کرد چاپ شد و به تدریج مورد قبول خوانندگان ادب دوست قرار گرفت. ملک الشعرای بهار به ارزش و منزلت شعر او پی برد و بر دیوان پروین، که اولین بار در سال ۱۳۱۴ منتشر شد، مقدمه ای نوشت که در واقع معرفی این بانوی شعر فارسی و تجلیل از او بود. ملک الشعرای بهار می‌نویسد: «در ایران که کانون سخن و فرهنگ است، اگر شاعرانی از جنس مرد پیدا شده اند که مایه حیرتند، تعجب نیست اما تاکنون شاعری از جنس زن که دارای این قریحه و استعداد باشد و با این توانایی و طی مقدمات تتبع و تحقیق، اشعاری چنین نغز و نیکو بسراید، از نوادر محسوب و جای بسی تعجب و شایسته هزاران تمجید است.» (اعتصامی ۱۳۶۹، ص ح)

در مجموع، شعر پروین اعتصامی ویژگی‌هایی دارد که سبب شده، این چنین مورد قبول و توجه فارسی زبانان از خاص و عام قرار گیرد. پاره‌ای از این ویژگی‌ها عبارتند از: تسلط شاعر به زبان و ادبیات فارسی، قدرت انتخاب مضمون مناسب، زبان رسا، حکایت گویی و مناظره سازی، در عین نوآوری و از نظر معنوی هم ویژگی‌هایی مثل عاطفه سرشار پروین، توجه به موضوعاتی از قبیل اخلاق و حکمت، حمایت از محرومان و ضعفا و نیز محرومیت‌های اجتماعی زنان زمانه خود سهم مهمی در اقبال مردم به شعر او دارد.

نظام فکری پروین و همه نکات و مقولاتی را که به رشته تحریر درآورده است در حقیقت انعکاسی است از وضعیت اجتماعی و فرهنگی ایران انقلابی عصر مشروطیت، بر این اساس باید

گفت نوعی همبستگی روشن بین اوضاع اجتماعی این دوره در اندیشه او وجود دارد. بدین معنی که وی در عصر پر تلاطم انقلاب مشروطیت بار آمد و از این رو آثار ناشی از این تحول عظیم اجتماعی را دریافته و مسائل و محدودیت‌های آن را نیز لمس کرده است. گران‌جانی نظام سیاسی و دخالت ناروای دودمان خودکامه قاجار در امور کشور، نومییدی مردم، بحران اقتصادی، فقر و پریشانی، نبود بهداشت و درمان و آموزش، عدم امنیت اجتماعی، ناچیز شمردن حیثیت انسانی، و مسائل بسیار دیگری، شرایط این دوره را رقم زده اند. پروین نه تنها خود به عنوان یک شهروند در متن نیروهای اجتماعی و فرهنگی زیسته و امور جاری کشور را مشاهده کرده است، بلکه از پدر نیز که مردی آزادی خواه، روشن فکر، روزنامه نویسی، مترجم و اهل تحقیق بود، نظرات و تحلیل‌های بسیاری فراگرفته و به اطلاعات زیادی دست یافته است. (یوسفیان ۱۳۷۷، ص ۳۵ و ۳۴)

یکی از برجستگی‌های شعر پروین این است که بیشتر حکایت‌ها و تمثیل‌ها حالت مناظره دارد. با این که مناظره و سوال جواب در ادبیات فارسی پرسابقه است اما پروین در اختیار این شیوه استقلال اندیشه خود را نشان داده است. طرز طرح آنها، نگارگری‌ها، شرح و تحلیل‌های او با پیشینیان بکلی متفاوت است، و همین امر منجر به تمایز کار او از دیگران شده است.

در جهان شعر پروین همه مخلوقات جهان اعم از گیاهان، جانوران، خورشید، ماه، ستارگان و همه آنچه آسمانی و زمینی است، دارای جان است. او در این جهان با عناصر و حوادث طبیعی همانند موجودات زنده برخورد می‌کند و به جانوران و نباتات خصایص و ویژگی‌های انسانی می‌دهد. در تصور و شعر او هر کدام از این موجودات، از نعمت تفکر و تکلم برخوردار می‌شوند، البته نه تفکر و تکلم مستقل بلکه در حقیقت شاعر حرف‌ها و پیام‌های آنها را در سکوت و در بی‌کلامی دریافت می‌کند و برای دقایق و ساعت‌هایی خود را به جای آنها و آنها را به جای خود می‌انگارد، کلام و کنایات و رنج‌ها و دردهای آنان را به قدرت تفکر و تخیل درک می‌کند. و سپس به زبان خویش و دیگر انسان‌ها ترجمه می‌کند. در این نوع نگرش شاعر آرمان‌ها و آرزوهای خویش را از زبان عناصر جهان از جمله پرندگان، درختان، ابزار و آلات زندگی و حتی اشیاء بی‌جانی چون سنگ و

چوب می‌گوید، زیرا جهان هستی و همه عناصر موجود در آن را با خود مرتبط و همزاد می‌داند. از نظر او جهان خلقت با وجود کثرت ظاهر از مبدأ واحدی نشأت گرفته و از یک منبع فیاض توان وجود یافته است. به همین دلیل بین انسان و سایر عناصر این مجموعه نوعی ارتباط مرموز هم ذاتی برقرار است. دیوان پروین دارای ۴۷ قصیده، ۱۵ غزل، ۵۰ مثنوی، ۸۹ قطعه، ۵ مسمطات و ۲ منقطعات است یعنی در مجموع ۲۱۱ شعر سروده است. که از بین آن ۳۰ مورد یعنی ۱۴/۲ درصد دارای عناوینی هستند که مناظره بین دو جماد، نبات، حیوان، انسان و زمان و حتی موضوعات انتزاعی را نشان می‌دهد. این عناوین عبارتند از: پایه و دیوار، تیر و کمان، گوهر و سنگ، سر و سنگ، کرباس و الماس، گل و خاک، گل و خار، گل و شبنم، مور و مار، بلبل و مور، طوطی و شکر، گرگ و شبان، گرگ و سگ، مست و هوشیار، دیوانه و زنجیر، توانا و ناتوان، دزد و قاضی، دید و دل، دیدن و نادیدن، گفتار و کردار، جان و تن، صاف و درد، سپید و سیاه، شاهد و شمع، برف و بوستان، سختی و سختی‌ها، امروز و فردا، سعی و عمل، امید و نومیدی، حقیقت و مجاز.

با کمی دقت پی می‌بریم که در اکثر این عناوین یا از دو واژه اقتصاد استفاده شده است. مثل امید و نومیدی، توانا و ناتوان، گوهر و سنگ، برف و بوستان، دزد و قاضی و ... یا از دو واژه که به لحاظ معنایی مکمل هم هستند مثل طوطی و شکر، سعی و عمل، دیده و دل.

۸۷ مورد از عناوین یعنی ۴۱/۲ درصد آن به صورت صفت و موصوف یا مضاف و مضاف الیه هستند که عبارتند از: بهای نیکی، بهای جوانی، قائد تقدیر، کمان قضا، گل بی‌عیب، باد برودت، کاروان چمن، کارگاه حریر، مادر دورانیش، نشان آزادگی، نیکی دل، گوهر سنگ، بازی زندگی، فریاد حسرت، راه دل، آئین آینه، رنج نخست، گریه بی‌سود، آتش دل، سرود خارکن، قدر هستی، طفل یتیم، شکایت پیرزن، تاراج روزگار، روح آرزو، گنج امین، قلب مجروح، سفر اشک، خاطر خشنود، نکوهش بی‌خبران، گذشته بی‌حاصل، اندوه فقر، گوهر اشک، کیفر بی‌هنر، درخت بی‌بر، همنشین ناهموار، خون دل، احسان بی‌ثمر، نغمه خوشه چین، گل پنهان، توشه پژمردگی، کارهای ما، دزد خانه، فریب آستی، جمال حق، فرشته انس، شرط نیکنامی،

## اخلاق و عرفان در شعر پروین اعتصامی / ۴۹

آسایش بزرگان، نکوهش نکوهیده، پیک پیری، کودک آرزومند، روش آفرینش، بام شکسته، حدیث مهر، مرغ زیرک، ارزش گوهر، پیام گل، نکوهش بیجا، آشیان ویران، برگ گریزان، پیوند نور، جامه عرفان، جولای خدا، خوان کرم، دریای نور، دکان ریا، رفوی وقت، روباه نفس، روح آزاد، زاهد خودبین، شکنج روح، شوق برابری، صید پریشان، عشق حق، عمر گل، عهد خونین، غرور نیکبختان، کعبه دل، گل پژمرده، گل خودرو، گله بیجا، گنج درویش، لطف حق، معمار نادان، نغمه صبح، نهال آرزو، یاد یاران.

وی در انتخاب اسامی بر اشعار خود نهایت دقت ظرافت و حسن سلیقه را بکار برده است. مثلاً وی قضا را به کمان، چمن را به کاروان، دوراندیشی، را به مادر نسبت می‌دهد. زندگی را همچون صحنه بازی می‌داند و آزادگی را دارای نشان و مقام، ریزش اشک را همچون سفر، نفس را همچون روباه مکار و فرصت طلب، و آرزو به مانند نهالی است که جوانه می‌زند. وی برای حق صفات عشق، لطف، جمال را بر می‌شمارد. خدا را همچون جولای، عرفان را دارای جامه، کرم را دارای خوان می‌داند. با کمی درنگ در اسامی اشعار وی می‌توان به لطافت طبع و قدرت درک او از هستی پی برد.

شعر پروین آینه واقعیت‌های تلخ و شیرین زندگانی انسان‌های این پاره از عالم است. خصلت بارز پروین در شعرهای وی افتادگی و آزادگی او است. دنیای پروین دنیای تلاش، وقت‌شناسی و فرصت‌یابی است. او هر مجالی را برای دانش‌اندوزی و هنرآموزی و فضیلت‌جویی بایسته می‌داند. (عبدالحسین موحد، ۱۳۷۳، ص ۱۵)

ای دل عبث مخور غم دنیا را	فکرت مکن نیامده فردا را
کنج قفس چو نیک بیندیشی	چون گلشن است مرغ شکیبا را
بشکاف خاک را و ببین آنگه	بی مهری زمانه رسوا را
این دشت خوابگاه شهیدان است	فرصت شمار وقت تماشا را

(مخور غم فردا را، ص ۱۵)

وی دارای ۵ شعر با عنوان «آرزوها» است که در این مقاله به تفصیل بررسی می‌شوند.

۱۴ شعر یعنی ۶/۶ درصد از اشعار او تک عنوانی هستند که عبارتند از: عیججو، بنفشه، شکسته، نوروز، فلسفه، شب، مناظره، ذره، ناتوان، شباویز، کارگاه، گره‌گشای، ناآزموده و ناهل.

### ۳-۱- سبک اشعار پروین

ملک الشعرای بهار در مقدمه‌ای که بر دیوان این شاعر نوشته است سبک شعرهای وی را این گونه معرفی می‌کند: «این دیوان ترکیبی است از دو سبک و شیوه لفظی و معنوی آمیخته با سبکی مستقل و آن دو یکی شیوه شعرای خراسان است خاصه استاد ناصر خسرو و دیگر شیوه شعرای عراق و فارس است بویژه شیخ مصلح الدین سعدی از حیث معانی از آن جهت که پیرو حقیقت جویی است به افکار حکما و عرفا شباهت دارد.

### ۳-۲- ارکان عروضی اشعار پروین

به منظور بررسی ارکان عروضی اشعار پروین صد شعر اول از کتاب کلیات دیوان پروین اعتصامی (به کوشش محمدتقی بابایی) بررسی شد که نتیجه آن به شرح زیر است:

بحر رمل ۲۷ درصد، بحر مجتث ۲۳ درصد، بحر مضارع ۲۰ درصد، بحر خفیف ۱۶ درصد، بحر هزج ۷ درصد، بحر سریع ۲ درصد، بحر متقارب ۲ درصد، بحر مقتضب ۱ درصد و بحر منسرح ۱ درصد.

همانطور که ملاحظه می‌شود وی در این صد شعر از بحر رمل بیش از بحرهای دیگر سود برده است و کمترین بحری که در آنها به کار رفته است، بحر مقتضب و بحر منسرح است. سرودن شعر در بحرهای مختلف نشان‌دهنده تسلط وی بر ارکان و اوزان عروضی است. به طوری که کمتر شاعری در دوران معاصر قادر است در قالب‌های سنتی شعر بسراید و با حفظ قالب، زیبایی شعر را در حد کمال نشان دهد، همچنین تنوع موضوعات مورد نظر را نیز در شعر مطرح نماید. این موضوع نشان می‌دهد که پروین به لحاظ ادبی دارای بنیهای بسیار قوی بوده است که در دوران معاصر تنها در افرادی نظیر «شهریار» می‌توان یافت.

#### ۴ - شاخص‌های اخلاقی و عرفانی در اشعار پروین

همانطور که می‌دانید دست تقدیر مجال شکوفایی بیشتر به پروین نداد و در زمان حیات او هم مطالب چندانی در مورد وی نوشته نشد تا در شناسایی بیشتر و بهتر او به ما کمک کند. از اینرو تنها راه دست یافتن به باورهای اخلاقی و عرفانی پروین مطالعه تنها اثر باقیمانده از او یعنی دیوان اشعار پروین است. برای این منظور اشعاری از این دیوان (به کوشش محمدتقی بابایی) تحت عنوان «آرزوها، لطف حق، عشق حق، گره گشای، کعبه دل، کودک آرزومند، دزد و دربان، آئینه معنی، فرشته انس» و قصایدی تحت عنوان «ای دل عبث مخور غم فردا را، یکی پرسید از سقراط، نخواست هیچ خردمند وام از ایام، گویند عارفان هنر و علم کیمیاست و ای دل، بقا دوام و بقائی چنان نداشت». انتخاب و بررسی شدند، باشد که گامی هر چند کوچک در معرفی این بزرگ بانوی ایرانی برداریم.

##### ۴-۱- گرایش به کمال

محبوبیت کمال، خواه مادی و خواه معنوی در تمامی موجودات با توجه به استعدادهای خاص آنها موجود است. در الهیات گفته می‌شود کمال جماد در رسیدن به مرتبه نبات و گیاه است و کمال گیاه در نیل به مقام حیوان، مرتبه کمال حیوان در نایل آمدن به مقامات انسان می‌باشد. در عالم حشر هم همین قاعده استوار است. (محموظی، ۱۳۷۷، ص ۱۷)

پروین این شوق به کمال را بسیار زیبا به تصویر کشیده است اودر شعر «کودک آرزومند»

می‌گوید:

دی مرغکی به مادر خود گفت تا به چند؟ مانیم ما همیشه به تاریک خانه‌ای

من عمر خویش چون تو نخواهم تباه کرد در سعی و رنج ساختن آشیانه‌ای

آید مرا چون نوبت پرواز بر پرم از گل به سبزه‌ای و زبا می به خانه‌ای

(کودک آرزومند، ص ۲۶۵)

##### ۴-۲- آراستگی به علم

پروین در جای جای مجموعه اشعار خود تحت عنوان «آرزوها» از کسب علم سخن می‌گوید:

از برای سود، در دریای بی پایان علم      عقل را مانند غواصان شناور داشتن  
 گوشوار حکمت اندر گوش جان آویختن      چشم دل را با چراغ جان منور داشتن  
 در گلستان هنر چون نخل بودن بارور      عار از ناچیزی سرو و صنوبر داشتن

(آرزوهای (۱)، ص ۲۵۳)

همانطور که ملاحظه می‌شود وی در اینجا از کسب علم صحبت می‌کند و معتقد است عقل باید در خدمت علم باشد و از آن برای کسب دانش استفاده شود. پروین معتقد است حکمت را باید آویزه گوش کرد و با علم و حکمت می‌توان همواره سربلند بود.

ای خوشا سودای دل از دیده پنهان داشتن      مبحث تحقیق را در دفتر جان داشتن  
 در ده ویران دل، اقلیم دانش ساختن      در ره سیل قضا، بنیاد و بنیان داشتن

(آرزوها (۲)، ص ۲۵۴)

روشنی دادن دل تاریک را با نور علم      در دل شب، پرتو خورشید داشتن  
 (آرزوها (۳)، ص ۲۵۵)

وی باز هم مردم را به کسب علم و دانش تشویق می‌کند و بر این باور است که با نور علم می‌توان دل تاریک را همواره روشن نگاه داشت.

ای خوشا خاطر ز نور علم مشحون داشتن      تیرگی‌ها را از این اقلیم بیرون داشتن  
 (آرزوها (۴)، ص ۲۵۵)

وی می‌گوید بهتر است به جای اینکه فکر خود را با تیرگی‌ها آلوده کنیم، لبریز از نور علم کنیم. عقل و علم و هوش را با یکدیگر آمیختن      جان و دل را زنده زین جانبخش معجون داشتن

(آرزوها (۴)، ص ۲۵۶)

برای سلامت روح و جان که متضمن زندگی سالم است باید عقل، علم و هوش را در کنار یکدیگر داشت و همزمان از هر سه آنها بهره گرفت.

عقل را دیباچه اوراق هستی ساختن      علم را سرمایه بازرگانی داشتن  
 (آرزوها (۵)، ص ۲۵۶)

### اخلاق و عرفان در شعر پروین اعتصامی / ۵۳

وی می گوید از عقل خود برای یافتن حقایق و راز هستی و کسب علم استفاده کنیم و بدین طریق امرار معاش کنیم. به عبارت دیگر، چه خوب است که «علم» سرمایه زندگی هر فردی باشد و پشتوانه ای برای گذراندن زندگی و سعادت انسان .

#### ۳-۴- عشق به حق و گفتگو با خدا

حق و عشق از اسماء اله است و عارفان صمدانی و حکمای الهی چون محی الدین ابن عربی با توجه به برخی از آیات قرآن کریم خدای تعالی را با نام حق خوانده، ابن سینا نیز رساله ای به نام «رساله العشق» در تبیین اینکه نظام هستی بر اساس عشق پایه گذاری شده ،نگاشته است. (محموظی، ۱۳۷۷ ص ۱۸)

پروین نیز یک مثنوی زیبا تحت عنوان «عشق حق» سروده است:

گفت [دیوانه] من دیوانگی کردم هزار	تا بدیدم جلوه پروردگار
دیده زین ظلمت به نور انداختم	شمع گشتم هیمه دور انداختم
تو مرا دیوانه خوانی ای فلان	لیک من عاقلترم از عاقلان
گر که هر عاقل چو من دیوانه بود	در جهان بس عاقل و فرزانه بود
عارفان کاین مدعا را یافتند	گم شدند از خود خدا را یافتند
من همی بینم جلال اندر جلال	تو چه می بینی به جز وهم و خیال

(عشق حق، ص ۳۴۴و۵)

وی شعر «آرزوها (۱)» را هم با این سروده ها آغاز می کند:

ای خوشا مستانه سر دریای دلبر داشتن	دل تهی از خوب و زشت چرخ اخضر داشتن
نزد شاهین محبت بی پر و بال آمدن	پیش باز عشق آئین کبوتر داشتن
سوختن بگداختن چون شمع و بزم افزوختن	تن بیاد روی جانان اندر آذر داشتن

(آرزوها (۱) ، ص ۲۵۳)

#### ۴-۴- نگرش او به زن به عنوان فرشته انس

خدای سبحان زن را باعث سکون قرار داده است و به طبع سکون ، آرامش و اطمینان قلبی و درونی، مولود قرب و انس است. در تایید این ادعا پروین می‌گوید:

در آن سرای که زن نیست، انس و شفقت نیست در آن وجود که دل مرد، مرده است روان  
(فرشته انس، ص ۲۴۵)

در نظر پروین از دامن مادران پاک، فرزانه‌گانی پرورش یافته‌اند که هر یک ستاره‌ای فروزان در عالم علم و تحقیق بوده‌اند.

اگر فلاطن و سقراط بوده‌اند بزرگ بزرگ بوده پرستار خردی ایشان

(فرشته انس، ص ۲۴۵)

از دیدگاه پروین، زن تنها در منزل نقش آفرینی نمی‌کند بلکه او در اجتماع هم دارای نقش سازنده و بسیار سنگینی است.

زن نکوی ، نه بانوی خانه تنها بود طیب بود و پرستار و شحنه و دربان

(فرشته انس، ص ۲۴۶)

#### ۴-۵- از هوای نفس دور گشتن و پرهیزکار بودن

پروین در عظمت جان و دل آدمی که در پیروی از هوای نفس به خرابه‌ای کوچک مبدل گشته است، در قصیده‌ای تحت عنوان « نخواست هیچ خردمند وام از ایام » ابیات زیر را می‌سراید و مردم را به پرهیزکاری و دوری جستن از هوای نفس فرا می‌خواند:

تو را که خانه دل خلوت خدا بوده است چرا به معبد شیطان کنی سجود و قیام

بسی است پرتگه اندر ره هوا پروین مپوی جز ره پرهیز و باش نیک انجام

(وام از ایام، ص ۸۷)

#### ۴-۶- فرمانبردار دل نبودن

شاعر در شعر «آرزوها (۲)» می‌گوید:

ای خوشا سودای دل از دیده پنهان داشتن مبحث تحقیق را در دفتر جان داشتن

(آرزوها (۲)، ص ۲۵۴)

این شعر پروین این غزل باباطاهر را تداعی می‌کند:

زدست دیده و دل هر دو فریاد      که هر چه دیده ببند دل کند یاد  
پروین معتقد است دل نباید به دنبال هر آنچه چشم می‌بیند برود. دل را باید مأمّن رازها کرد که  
اگر این کار را انجام گیرد با استناد به بیت زیر، می‌توان همه آفاق را بنده فرمان خود گیرد و  
دیو صفت‌های ناپسند را مهار کرد.  
بنده فرمان خود کردن همه آفاق را      دیو بستن، قدرت دست سلیمان داشتن  
(آرزوها (۲)، ص ۲۵۴)

#### ۴-۷- ساده زیستی و دوری از تکلف

از تکلف دور گشتن، ساده و خوش زیستن      ملک دهقانی خریدن، کار دهقان داشتن  
همانطور که ملاحظه می‌شود، وی در این بیت، از بی‌تکلفی صحبت می‌کند و معتقد است انسان  
در هر جایگاه و مقامی که باشد نباید مغرور و مدعی باشد و باید شاد و ساده زندگی کند.  
(آرزوها (۲)، ص ۲۵۴)

#### ۴-۸- صبور بودن

در شعر «آرزوها (۳)» می‌گوید:  
کشتی صبر اندرین دریا درافکندن چو نوح      دیده و دل فارغ از آشوب طوفان داشتن  
(آرزوها (۳)، ص ۲۵۵)  
وی معتقد است در دریای طوفانی جهان باید صبر پیشه کرد و چشم و دل را به روی  
ظواهر دنیا بست.

#### ۴-۹- قناعت پیشه کردن

همچو پاکان گنج در کنج قناعت یافتن      مور قانع بودن و ملک سلیمان داشتن  
(آرزوها (۳)، ص ۲۵۵)  
وی در این شعر مردم را به قناعت تشویق می‌کند و می‌گوید هر که قناعت پیشه کند به  
گنج حقیقی دست یافته است.

پاک کردن خویش را از آلودگیهای زمین خانه چون خورشید در اقطار گردون داشتن  
(آرزوها (۴)، ص ۲۵۶)

به گفته او انسان باید در هر شرایطی پاکدامن باشد و خود را از آلودگیهای زمین مصون  
نگه دارد و در میان این آلودگیها با پاک نگهداشتن خود همچون خورشید بدرخشد.

#### ۱۱-۴- مهربانی و کمک به دیگران

دل برای مهربانی پروراندن لاجرم جان به تن تنها برای جانفشانی داشتن  
(آرزوها (۵)، ص ۲۵۷)

به بیان او دل باید مأمّن مهربانی و دوستی باشد نه بخل و کینه و حسد. زندگی و طول عمر تنها  
در صورتی ارزش دارد که وقف کمک به خلق شود.

#### ۱۲-۴- کمک به مستمندان

ناتوانی را به لطفی خاطر آوردن به دست یاد عجز روزگار ناتوانی داشتن  
(آرزوها ۵، ص ۲۵۷)

به مستمندان از سر لطف و صدق کمک کنید و دل آنها را بدست آورید. به دیگران بدی  
نکنید و همواره به خاطر داشته باشید که دنیا همواره به این منوال نمی چرخد شاید روزی هم شما  
ناتوان شده روزهای سختی در پیش داشته باشید.

#### ۱۳-۴- فروتنی و تواضع

پروین در دیوان خود کمتر به خودستایی می پردازد و به ندرت از تخلص خود سود می جوید. وی  
همواره در مقام سرزنش خویش بود نه تعریف و تمجید. از خرده گزیده‌های زیر موید این ادعا  
است. وی در جایی تحت عنوان گره گشایی گفته است:

در تو پروین نیست فکر و عقل و هوش ورنه رنگ حق نمی افتد زجوش  
(گره گشایی، ص ۳۵۹)

در شعری تحت عنوان «کعبه دل» گفته است:

کسی بر مهتران پروین مهی نیست که دل چون کعبه ز آرایش تهی داشت

(کعبه ی دل، ص ۳۵۵)

در قصیده ای تحت عنوان «ای دل، بقا دوام و بقائی چنان نداشت» می گوید:

آسوده خاطر این ره بی اعتبار را پروین کسی سپرد که بارگران نداشت

(ای دل، ص ۵۱)

## ۵ - بهره گیری از مضامین قرآنی در شعر پروین

یکی از خصوصیات بارز اشعار و سروده‌های پروین، بهره گیری از آیات قرآنی است که بر حشمت و شکوه سروده‌های او دو چندان افزوده است. این بهره‌برداری در جای جای دیوان او منعکس و جلوه‌گر است. در ادبیات این آیات «تلمیح» نامیده می‌شود که شاعر در خلال شعر خود به داستانی یا مثلی یا آیه و حدیثی معروف اشاره می‌کند. (همایی، ۱۳۷۳، ص ۳۲۸) این موضوع نشان می‌دهد که تربیت او تحت تعالیم آسمانی قرآن چنان صورت گرفته که آیات آن را در محفظه ذهن خود ذخیره دارد و هر زمان که بخواهد در اشعار خود به کار می‌برد. این نوع آشنایی عمیق و همراه با تدبر در قرآن در کمتر شاعر معاصر ایرانی دیده می‌شود. حال به نمونه‌هایی از آن در اشعار پروین اشاره می‌کنیم.

### ۵-۱- ید بیضاء

ساحر فسون و شعبده انگارد نور تجلی و ید بیضا را

(قصیده ای دل عبث مخور غم دنیا را، ص ۱۵)

این بیت اشاره مستقیم به داستان معجزات حضرت موسی (ع) دارد که یکی از آنها ید بیضا بود که از آستین بیرون می‌آورد و چشمان ناظران را خیره می‌کند. در قرآن کریم آورده است: و نزع یده فاذا هی بیضاء للناظرین . (اعراف/ ۱۰۸)

هنگامی که دست خود را بیرون کشید، ناگاه او درخشنده و درخشان و خیره کننده تماشاگران بود.

(عقیقی، ۱۳۷۷، ص ۱۴۵)

#### ۲-۵- لباس تقوی، بهترین پوششها

به جای پرده تقوی که عیب جان بیوشاند ز جسم آویختم این پرده‌های پرنیانی را  
(قصیده یکی پرسید از سقراط کز مردن چه خواندستی، ص ۲۰)

عبارت پرده تقوی اشاره به آیه‌ای در سوره اعراف دارد:

یا بنی آدم قد انزلنا علیکم لباساً یواری سواتکم و ریشاً و لباس التقوی ذلک خیر ذلک من آیات  
الله لعلمهم یتذکرون . (اعراف/۲۶) (عقیقی ۱۳۷۷ و ص ۱۴۵)

#### ۳-۵- گواهی دادن دست و زبان و دیگر اعضاء و جوارح

در همان قصیده آمده:

در آن دیوان که حق حاکم شده است و زبان شاهد نخواهد بود بازار بهاء چرب زبانی را  
(قصیده یکی پرسید از سقراط کز مردن چه خواندستی، ص ۲۲)

این بیت اشاره به دادگاه عدل الهی در رستاخیز دارد، جایی که اعضاء و جوارح به اعمال

فرد گواهی می‌دهند که در قرآن کریم آمده است:

قالو لجلودهم لم شهدتم علینا (فصلت/۲۱)

به پوست‌های خود گویند چرا بر ضد ما شهادت و گواهی دادید؟

یا درآیه شریفه دیگری می‌فرماید:

«شهدتم علیهم سمعهم و ابصارهم و جنودهم ...» (فصلت / ۲۰)

#### ۴-۵- اعمی و نابینا

پروین در قصیده ای می‌گوید

اعمی است گر بدیده و عینش بنگری آن کو خطا نمود و ندانست کان خطاست

ز آن گنج شایگان که به گنج قناعت است مور ضعیف گرچه سلیمان شود رواست

(هنر و علم کیمیاست، ص ۳۸)

## اخلاق و عرفان در شعر پروین اعتصامی / ۵۹

این بیت اشاره به آیه شریفه ای است که به افرادی که حقایق را نادیده می‌گیرد «اعمی» اطلاق نموده است، مانند آیه :

«قل هل یستوی الأعمی و البصیر ام هل تستوی الظلمات و النور» (رعد / ۱۶)  
(عقیقی ۱۳۷۷، ص ۱۴۶)

### ۵-۵- آتش و گلستان

جز در نخیل، خوشه خرما کسی نیافت  
جز بر خلیل، شعله گلستان نمی‌شود  
(دزد و دربان، ص ۶۱)

این شعر اشاره به آیه شریفه زیر دارد: «قلنا یا نار کونی برداً و سلاماً علی ابراهیم» (الانبیاء/۶۹)  
گفتیم ای آتش نسبت به ابراهیم خنک و سالم باش ...  
(عقیقی، ص ۱۴۶)

### ۵-۶- گذشتن از جان

مترس از جانفشانی گر طریق عشق می‌پویی  
چو اسماعیل باید سر نهادت روز قربانی  
(آئینه معنی، ص ۱۱۶)

این شعر اشاره به داستان استقبال اسماعیل از خواب و رویای صادقه پدر است که او را امر به ذبحش نمود:

«یا بنی انی اری فی المنام انی اذبحک فأنظر ماذا تری، قال یا أبت افعل ما تؤمر ستجدنی انشاءالله من الصابرين» (صافات / ۱۰۲)

فرزندم در خواب دیدم که تو را ذبح می‌کنم، پس بنگر چگونه می‌بینی؟ گفت: پدرجان به آنچه مأمور شده‌ای انجام بده. مرا از صابران و تحمل‌کنندگان خواهی یافت.  
(عقیقی ۱۳۷۷، ص ۱۴۶)

### ۵-۷- عصا و اژدها

عصارا اژدها بایست کردن، شعله را گلزار  
تو با دعوی گه ابراهیم و گاهی پور عمرانی  
(آئینه معنی، ص ۱۱۷)

اشاره به عصای حضرت موسی (ع) داستان گلستان شدن آتش بر ابراهیم خلیل الرحمن به امر خدای متعال دارد. (عقیقی، ۱۳۷۷، ص ۱۴۷)

۵-۱- لطف حق

احساسات و هنرمندی‌های شاعرانه او وقتی اوج می‌گیرد که به داستان موسی و مادر او می‌رسد و به دریا افکندن و سالم ماندن موسی را از الطاف جلیله حق تعالی می‌داند و این اشعار «لطف حق»، تفسیر آیات ۷ تا ۱۰ سوره شریفه «القصص» به شمار می‌رود.

«و اوحینا الی ام موسی ان ارضیه ... و اصبح فؤاد ام موسی فارغاً» (القصص / ۱۰-۷)

مادر موسی چو موسی را به نیل	درفکند از گفته رب جلیل
خود به ساحل کرد با حسرت نگاه	گفت کای فرزند خرد و بی گناه
گرفراموشت کند لطف خدای	چون رهی زین کشتی بی ناخدای
گر نیارد ایزد پاکت به یاد	آب، خاکت را دهد ناگه به باد

(لطف حق، ص ۳۷۳)

تا این که او به مظاهر لطف الهی و اصل می‌گردد و عارفانه سر می‌دهد:

طفل مسکین چون کبوتر پر گرفت	بحر را چون دامن مادر گرفت
موجش اول وهله چون طومار کرد	تندباد، اندیشه پیکار کرد
بحر را گفتم دگر طوفان مکن	این بنای شوق را ویران مکن
در میان مستمندان فرق نیست	این غریق خرد، بهر غرق نیست
صخره را گفتم مکن با او ستیز	قطره را گفتم بدان جانب مریز
امر دادم باد را کان شیرخوار	گیرد از دریا گذارد در کنار

(لطف حق، ص ۳۷۵)

تا این که پس از چندی گفتم او را صحیح و سالم به دامن آسیه همسر فرعون تحویل

می‌دهد که مانند مادری مهربان از او نگهداری می‌نماید. (عقیقی، ۱۳۷۷، ص ۱۴۸)

## ۶ - نتیجه

پروین معلم اخلاق است که به علت داشتن طبع شاعری پیام‌های اخلاقی و نصایح خود را در غالب شعر بیان کرد تا ماندگار شوند و بدین وسیله پیغام خود را به نسل‌های بعد هم برساند. اخلاق او مبتنی بر اندیشه‌های عرفانی است و کاملاً با نکات دینی همسویی دارد. وی کمال انسان را در رهایی از تمام تعلقات دست و پاگیر مادی و روی آوردن به مسائل معنوی راز و نیاز با خدا و تزکیه نفس می‌داند. نتایجی که در این تحقیق بدست آمده عبارت است از:

۱-۶- در اشعار پروین تلخی‌های زندگی اجتماعی، دردها و ناکامی‌های آدمی به تصویر کشیده شده است.

۲-۶- وی در قالب داستان‌های لطیف و زیبا از زبان اشیاء و پدیده‌ها، پند و اندرزهای ظریفی را به خواننده می‌دهد.

۳-۶- دیدگاه او نسبت به جهان دیدی مثبت، هدفمند و سرشار از تعهد و مسئولیت است.

۴-۶- اخلاق پروین مبتنی بر اندیشه‌های عرفانی است، از این رو روح و روان انسان برای او اهمیت خاصی دارد.

۵-۶- پروین کمال انسان را در رهایی از تعلقات مادی و روی آوردن به علم و دانش و آراستگی به کمالات انسانی می‌داند.

۶-۶- بر جستگی‌های اخلاقی و عرفانی که در اشعار پروین مشاهده می‌شود، ناشی از اعتقاد عمیق همراه با شناخت صحیح وی از قرآن و تعالیم دینی است که در کودکی در زمان مناسب به او آموزش داده شده است.

فهرست منابع

- اعتصامی، پروین (۱۳۶۹)، دیوان اشعار. بامقدمه ملک الشعراء بهار، ایران زمین، تهران.
- اعتصامی، پروین (تاریخ چاپ ذکر نشده است)، کلیات دیوان، به کوشش محمدتقی بابایی، نمونه، تهران.
- حائری، سید هادی (۱۳۷۵)، حدیث ناگفته‌ها (مجموع اشعار، نوشتار، گفتار و کلیات پروین اعتصامی)، حدیث، تهران.
- عقیقی بخشایی، عبدالرحیم (۱۳۸۰)، «لطائف حکمی و نکات قرآنی در دیوان پروین اعتصامی»، کیهان اندیشه، ص ۸-۱۴۳.
- محفوظی، محمدصادق (۱۳۷۷)، «جهان بینی پروین اعتصامی»، کیهان فرهنگی، ش ۱۴۲، ص ۱۶-۱۹.
- موحد، عبدالحسین (۱۳۷۴)، زن، پروین، حقیقت یا مجاز، محیا، تهران.
- نائل خانلری، پرویز (۱۳۷۳)، وزن شعر فارسی، انتشارات توس، تهران، چ ششم.
- همایی، جلال الدین (۱۳۷۳)، فنون بلاغت و صناعات ادبی، موسسه نشر هما، تهران.
- یوسفیان، جواد (۱۳۷۷)، «سیری در اندیشه اجتماعی پروین اعتصامی»، فرزانه، ش ۹، ص ۳۳-۴۰.
- یوسفی، غلامحسین (۱۳۸۳)، چشمه روشن دیداری با شاعران، علمی، تهران.